



گستره شواهد موجود مکتوب و غیر مکتوب فضائی - کالبدی معماری و شهرسازی ایران پیش از اسلام

علیرضا اشرفی*، ساحل نصرت

- 1- کارشناس مرمت بناها و بافت های تاریخی، دانشگاه پیام نور اصفهان، a.ashrafi1395@gmail.com
- 2- کارشناس مرمت بناها و بافت های تاریخی، دانشگاه پیام نور اصفهان ، a.ashrafi1395@gmail.com

چکیده

شهر و شهرنشینی در ایران پیشینه ای چند هزار ساله و تقریباً مستمر دارد. شهرهای ایران همواره هم محل استقرار دستگاه های حکومت و سکونت کارگزاران اداری و نظامی، هم مرکز تولید و تجارت و محل سکونت پیشه وران و سوداگران و هم استقرار نهادها و متولیان مذهبی بوده اند. ویژگی ها و روابط این سه بخش و گروه های مرتبط با آنها روی هم رفته هویت جماعات و گروه های شهری و سرشت سیاسی شهرها را شکل می داده است. هویت ساختاری شهرها با سه مقوله ی مکان (جغرافیا)، فضا (شبکه ها و روابط اجتماعی) و زمان (تاریخ) پیوندی دقیق دارند و از ویژگی ها و تحولات این سه مقوله متأثر می شوند. بر این اساس، مکانها و محیط های با دوام زندگی اجتماعی نظیر خانواده، محله، روستا، شهر و همچنین تعلقات بادوام اجتماعی، نظیر صنف، قشر، طبقه و کشور هر کدام می توانند عرصه ای برای شکل گیری، تداوم و تحول هویت و به تبع آن زمینه ای برای بررسی مسائل مربوط به هویت معماری و شهرسازی ایرانی باشد.

واژه های کلیدی: شهر، ساختار اجتماعی، هویت، معماری

مقدمه

جدال شهر - دولتهای در ستیز بین لنهرین که زیر چشمان، اقوام و قبایل مستقر در کوه های شرق ان رخ می دهد، سبب می گردد که این اقوام با گونه ای دیگر از شکل جامعه مواجه می گردند، شکلی که تا آن زمان برای آنان نا آشنا بود. تا این زمان برای این اقوام دو گونه جامعه مفهوم دارد. جامعه ی ایلی (جامعه ی کوچ رو) و جامعه روستایی (جامعه یکجانشین). این دو جامعه هر دو تحت نظامی عشیره ای اداره شده و در ارتباط چند سویه ای با یکدیگر قرار دارند. شکل جدید، شکلی که در دشتهای هموار غرب قرار دارد، جامعه ی شهر نشین است. اقوام آریائی مستقر در جبال زاگرس و در دشت های مرتفع آن با تشکیل «دولت ماد» اولین اقوامی هستند که گذر تاریخی خود را از مرحله ی جوامع ساده ی روستایی، ایلی به جامعه ی شهری به انجام می رسانند. سازمان فضائی و تبلور کالبدی چنین گذری ایجاد اولین «شهر - قدرت» در فلات ایران است: هگمتانه، هگمدان، همدان. شرکت فعال اشرافیت ایلی در دولت و به تبع آن شرکت در کلیه ی فعالیت های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی - سیاسی سبب می گردد تا دولت ماد در تحول خود و مسیر منطقی این تحول جای خود را به دولت هخامنشی بسپارد و شار مادی در مقابل شار پارسی رنگ بازد.

روش تحقیق

این مقاله به روش تحقیق کاربردی (Applied Research) تنظیم، و از کتب، اسناد کتابخانه ای و مقالات مرتبط به همایش های گذشته استفاده شده است.

مقاله

شهر در درون خود یه به عبارتی ر حوزه ی رسمی خود باغ و بستان دارد و در لابلای آنها زراعت و کاشت را سامان می دهد. شهر هم مکان استقرار دولت است و بدان اعتبار مدیریت خویش را بر همه روابط تولیدی و فرهنگی حوزه نفوذ خویش می گستراند، هم مکان تولید صنعتی و صناعت (در مفهوم روزگاران خویش) است، هم به کار بازرگانی می پردازد و هم از تولید کشاورزی نشان دارد. مفهوم شار دیگر در محدوده دیوارهای بلا فعلش باقی نمی ماند، شار معنائی منطقه ای می یابد و در پیوندی منطقه ای و چند سویه، با روستاهای اطراف خود، از آنها هویت می پذیرد و به آن ها هویت می بخشد. جامعه ی دودمانی هخامنشی به سرعت جای خود را به جامعه دولت سالاری می دهد. دولت با قرارگیریدر رأس هرم قدرت، سازمان اجتماعی را بر مبنای طبقات مشخص سامان می دهد:

1- اشرافیت دودمانی 2- مغان و روحانیون 3- اشرافیت دهقانی 4- بازرگانان و پیشه وران
این چهار طبقه با مقام گرفتن در «شار پارسی» مفهوم آن را بیش از پیش یگانه ساخته و بدان ویژگی می بخشد. خصیصه ای که این شار را هم از شهرها قبل خود یعنی دولت - شهرهای بین النهرین و هم معاصر خود یعنی دولت - شهرهای یونانی، جدا می سازد.

این چهره از دیدگاه ریخت شناسی شهری از فضاهای زیر ترکیب شده است:

- 1- دژ حکومتی: مجموعه ای مرکب از کاخ ها، معابد، دیوان ها، تأسیسات نظامی اداری، ذخائر و انبارهای آذوقه.
- 2- شار میانی: مجموعه ای مرکب از محلات خاص برای استقرار طبقات ممتاز، با خانه هائی کم و بیش مشابه، بازاری در میان و همه محصور در دیواری سنگین با دروازه هایی برای ورود و خروج به شار میانی.

3- شار بیرونی: مجموعه ای است مرکب از محلات و خانه ها، بازارها، باغات و مزارع پراکنده در سطحی وسیع (حبیبی، 1392: 13 و 14).

جابجایی بیشتر شهرهای کهن بر پایه ی معیارهای ویژه ای انجام می شده. معیارهایی چون افتادن بر سر راه شاهراه ها و گذرهای اصلی، اعتبار بازرگانی داشتن، مرکزیت داشتن نسبت به پیرامون خود، سیل گیر نبودن، سخت بودن زمین آن، زمین لرزه خیز نبودن و ویژگی های دیگر. پیش از اسلام بیشتر شهرها به گونه ی کلات ساخته می شدند و دارای برج و بارو بوده اند. مردم در این دژها بر پایه ی رده بندی طبقاتی خانه می گزیدند. کهنه دژ، دژ مهم شهر بوده که گاهی در درون شهر و گاهی بیرون باروی شهر و بیشتر در کوی ارگ بوده است. نگهبان آن جا «ارگبد» نامیده می شده و هموارگی برای خود خندق و باروی جداگانه داشته است. نمونه آن ارگ تهران بوده. هسته ی کانون شهر، شارستان یا شهرستان نام داشته. راست بازار از کنار دروازه ی مهم شارستان آغاز می شده و به کانون شهر می رسیده است. بیرون شارستان، پُروست و سپس رُبض نامیده می شده. شهرها در ایران معمولاً دو شکل خاص داشته اند؛

1- شهرهای پیچازی (شطرنجی): که در آن گذرها و کوچه ها عمود بهم هستند. نمونه آن در شمار فراوانی از دژهای روستایی یافت می شود.

2- شهرهای تَنسِته ای (تار عنکبوتی): که مانند دایره ای است که در کانون آن ساختمان های اصلی مانند آتشکده، ساختمان فرمانروا و مانند آن جای داشته است (معماریان، 1387: 72 و 70).

بنیاد شیوه معماری پارسی از همان ساختمان های ساده که در سرزمین های غرب و شمال غرب ایران و دیگر جاها بوده برگرفته شده است. اما پدیده ی تازه ای که با گسترش فرمانروایی پارسها روی می دهد، همکاری هنرمندان مختلف از سرزمین های گوناگون در کار ستاخرتمان سازی است. روشن است که کشوری به بزرگی ایران در دوره ی هخامنشی با ملت های گوناگون مختلفی که زیر سلطه داشته، این کار را می بایست انجام دهد (پیرنیا، 1387: 59).

هنر هخامنشی معمولاً به دو دوره تقسیم شده است: دوره ی اول که قدیمی ترین آثار آنان را شامل می شود، ویرانه ها و بقایای از هم گسیخته ایست که بنام پاسارگاد شناسایی شده است و دوره ی دوم آثار شکوهمندی است که در مجموعه کاخ های تخت جمشید قرار دارند.

پاسارگاد نخستین شهر یا کانون امپراطوری است که معرف سبک معماری هخامنشی است. صفا یا سکوی سنگی و ستون های سنگی و یا چوبی بلند و استوانه ای شکل یادآور سبک معماری پارسی این عهد است. همپنین سیمای شهرهای هخامنشی هم از وجود جامعه ای حکایت دارد که شهرها و روستاها و سایر مراکز سکونتی چشم به اعمال و گوش به فرمان شاهان داشته اند. این دو شهر بعنوان مقر پادشاه و وابستگان او مظهر عظمت و قدرت امپراطوری و محل صدور فرمان و ابلاغ آن به دیگر نقاط بوده است. بهر صورت، وسعت امپراتوری هخامنشی و تسلط کوروش و داریوش بر سرزمین های بین النهرین، سوریه، مصر، آسیای صغیر و جزایر یونانی که البته مراحل پیشرفته ای از تکامل اجتماعی را پشت سر می گذارده اند و نیز فرهنگ اقوام مناطق یاد شده ساکن در ایران، قضاوت درباره ی اصالت معماری هخامنشی را مشکل می سازد. چراکه هریک از آنان قرنهای پیش تر از هخامنشی ها به دوران تاریخ و تمدن گسترده ای وارد و تمدن و اندیشه های دینی شان در جهان آن روز پراوازه بوده است (انصاری، 1389: 43).

فروپاشی دولت هخامنشی و همراه با آن سقوط «شهر - قدرتهای» پارسی و تاراج «شهر - قدرتها» و «شهر - معبد» هایی چون پاسارگاد و تخت جمشید، سبب می گردد تا جوامع شهری و روستایی دچار نابسامانی های فراوان گردند. ورود و رسوخ روابط اجتماعی - فرهنگی یونانی نشأت گرفته از جوامع اشرافی برده دار متکی بر تقسیم کار اجتماعی سبب دگرگونی و آشفتگی روابط اجتماعی - فرهنگی منبعت از جامعه ی دولت سالار متکی بر وحدت اجتماعی کار می گردد. برای نخستین بار در تاریخ جهانی دو فلسفه «شرقی و غربی» با یکدیگر ممزوج می شوند. دو فلسفه یکی مبتنی بر منشاء فرهنگی شکل گیری دولت و از آن ره نحوه ی استقرار فضائی جامعه و جوامع، دولتی که قدرت خود را از آسمان می داند، دولتی کهنه فقط بر روابط مادی مردمان خود بلکه بر

روابط و ارتباطات معنوی آنها نیز تسلط خود را گسترانیده است. دیگری مبتنی بر منشاء مادی شکل گیری دولت و از آن ره نحوه ی استقرار فضائی جامعه و جوامع است، دولتی که قدرت خود را از زمین می گیرد و خدایانش که در کوه المپ جای دارد نیز منشاء زمینی دارند. تلاقی این دو فلسفه، این دو نوع نگرش به جهان، یکی متکی بر فرهنگ و سلطه ی روابط فرهنگی و دیگری مبتنی بر مدنیت و سلطه ی روابط مادی، سبب می گردد تا مفهومی جدید از «شهر» پیدا شود. شهری که هم بتواند هاله ای از «شهر - قدرت» هلنی باشد هم سایه ای از شهر «شهر - قدرت» پارسی. در این مکان است که دو فلسفه در هم می آمیزند و به مبادله می پردازند. «شهر پارسی - هلنی» مکانی می گردد برای استقرار دولت سلوکی. دولتی که هم سودای روابط ناشی از «مردم سالاری اشراف» را در سر داد و هم از روابط مبتنی بر «اقتدار حکومت پارسی» سود می برد.

شهر پارسی - هلنی در مکانی استقرار می یافته است که:

- 1- در جوار و یا در نزدیکی راه های ارتباطی و جاده های اصلی قرار داشته باشد.
- 2- در کنار قلعه نظامی و یا شهر قدیمی مستقر در منطقه ای مملو از روستاهای پیرامونی باشد.
- 3- از دیدگاه سوق الجیشی قابل تأمین باشد.

بنابراین «شهر پارسی - هلنی» در بدر تولد خویش، شهری نظامی است، شهری است که بر مبنای شهر - دولت یونانی شکل می گیرد، مردمانی که در آن مستقر هستند یونانی هستند و یا بومیانی که در حلقه ی اجتماعی طرفدار دولت سلوکی قرار می گرفتند. «شهر پارسی - هلنی» بر آن بود که چون شهر - دولت یونانی، خود مختاری را با ایجاد مجمع خلق، شورا، مأموران انتخابی، مدرسه، معبد، میدان های ورزشی و ... اعلام کند. «شهر پارسی - هلنی» چون «شهر پارسی» و دولت - شهر یونانی، مرکز استقرار و سکنی گزینی طبقات ممتاز اجتماعی است. در این شهر تنها و تنها شهروندان همراه شده با دولت سلوکی هستند و اشرافیت یونانی و بومی نزدیک به آنها. دیگر مردمان نه در شهر، بلکه در نقاط زیستی اطراف شهر سکنی می گیرند. روش زیست و تولید برای این گروه تقریباً همانی است که در دوره ی پارسی وجود می داشته، تنها تفاوت، جایگاهی دولت است (حیبی، 1392: 17 و 19 و 20).

از لحاظ اداری، قلمرو سلوکی، شامل حدود هفتاد و دو حوزه ی حکمرانی بود که هرچند حوزه ی آن، یک استان (ساتراپی) را تشکیل می داد، اما با وجود استقلال محلی ساتراپها، حکم پادشاه سلوکی بر سراسر قلمرو وی نافذ بود. پادشاه بر اعمال حاکم تابع، نظارت و اشراف داشت و برای اعمال این نظارت، دربار او گاه به صورت یک اردوی متحرک نظامی در نواحی مختلف کشور در حال حرکت بود. در این دوران توسعه ی شهرسازی در ناحیه ی سوریه و (میان رودان) بین النهرین بیش از سایر نواحی بود، مع ذالک در فلات ایران در ناحیه کرمانشاه، همدان، بروجرد و نهاوند شهرهای تازه به وجود آمد. تنها در کنار خلیج فارس چندین بندر و شهر تازه ایجاد شد. با ظهور شهرهای جدید، بعضی از مراکز تمدن قدیمی نظیر بابل و شاهراه های فنیقی و سوری گرفتار انحطاط شدند. در این دوره مراکز تازه جمعیت با احوال شهرسازی جدید بنا می نگردید که در آن که داد و ستد قابل توجهی توسعه یافت و یک سرمایه داری محدود تشکیل شد، علاوه بر این داد و ستد ها، بسیاری از سرمایه داران، ساختمان های چند طبقه برای فروش و یا اجاره می ساختند. «فرای» در باره شهر نشینی می نوسد: «شهر دارای زمین ها و املاکی بود که روستاییان در آن محل ها سکونت داشتند و به کار کشاورزی مشغول و بدان املاک وابسته بودند. روستاییان، گاه از سعه ی صدر جوامع شهری استفاده می کردند و به توسعه ی اجتماعات خود پرداخته و به صورت دهکده هایی که نوعی استقلال داخلی داشتند در می آمدند». سلوکیان بیشتر در پی نگهداری راه های ارتباطی و بازرگانی با جاهای دور از دست مشرق و باختر بودند، در اثر بهبود وضع راهها، صنعت و تجارت از توسعه ی قابل ملاحظه ای برخوردار شد. در این دوره مراکز تازه جمعیت با اصول شهرسازی جدید بنا می گردید که همین شهرها بعدها مبنای ایجاد شهرهای رومی شد. در این شهرها با استفاده، از آزادی نسبی و توسعه ی تجارت، یک طبقه ی بورژوا از شهری بوجود آمد که در آن داد و ستد به طور قابل ملاحظه ای توسعه یافت.

دو عامل شهرسازی و شهر نشینی در دوره ی سلوکیان عبارت بودند از:

1- ضرورت حفظ سرزمین های پهناور تحت سلطه و اداره ی امور کشری و لشگری.

2- بهبود وضع راهها و توسعه ی بازرگانی و صنعت.

سرزمین های تحت سلطه سلوکیان از نظر اداری به تعدادی ساتراپی (ساتراپ نشین) تقسیم می شد، در رأس هر یک از ساتراپی ها، یک ساتراپ (یا استرانگ) قرار داشت که از سوی پادشاه منصوب می شد ساتراپ نشین به تعدادی «آپارخی» و هر آپارخی به چند هیپارخی تقسیم می گردید. گویا هیپارخی ها نیز به بخش های کوچک موسوم به «استاتها» تقسیم می شده اند. مهمترین شهرها ساتراپی بعنوان پایتخت آن برگزیده می شد و مرکز اداری در آنجا مستقر می گردید.

با وجود جاذبه ی تمدن یونانی، پارتها دنبال آن نرفته و حتی بدنبال معماری هخامنشی نیز نرفته اند. از طرف دیگر برای رسیدن به خودبستگی و استفاده از ساختمایه ایدری¹ و بوم آورد نمی توانسته اند آن را مانند دوره ی هخامنشی از راه های دوردست بیاورند و سعی کرده اند همانند ایلامیان از ساختمایه ی بوم آورد بهره گیری کنند و به همین دلیل به نوآوری بزرگی در طول تاریخ بشری دست یافتند که همان پوشش های تاقی در دهانه های بزرگ و گنبدها در زمینه ی چهارگوش می باشد، پارتها و هنر کهن، بویژه معماری مادها و حتی بیش از آنها ایلامی ها بهره گرفتند (پیرنیا، 1387: 96).

پارت ها شهرهای بسیار کهن را مانند بابل و اروک در اختیار داشتند و نیز شهر آشور . با این که آن شهر ها از نقشه ی چندان منظمی برخوردار نبود، اما پارت ها شهرهایی را بنیاد گذاشتند که بر اساس نقشه ی دایره شکل بود شهر های مرو، تیسفون، والخصر دارای چنین نقشه ای بودند. از فضای دایره وار می توان آسان تر از چهارگوش دفاع کرد و نیز بارو کشیدن آن هم آسان تر است. این شیوه ی شهرسازی تا زمان ساسانی و اسلام ادامه یافت (کالج، 1355: 104).

جامعه ایلی همراه با جامعه ی روستایی و بخشی از جامعه شهری - بخشی که نه به منزله شهروند، بلکه به عنوان خارجی تلقی می شد - موفق می گردند تا دولت اشکانی را بر پهنه ی وسیعی از ایران آن روزگاران مستقر سازند. این دولت با رجوع به سازماندهی دولت هخامنشی و با بهره گیری از تجربه ی دولت سلوکی موفق می گردد تا برای اولین و آخرین بار در تاریخ ایران نوعی دولت مرکزی² مبتنی بر تفاهم دودمانهای متشکله را شکل بخشید. هماهنگی و همخوانی سه جامعه ی تحت سلطه ی این دولت سبب می گردد تا دولت قدرتمند اشکانی نزدیک به شش قرن اقتدار خود را بر سرزمین بگستراند، بازرگانی را رونق بخشد، روابط کالایی و پولی را ارتقاء بخشد و از آن ره به شهر نشینی و شهرگرایی شتاب دهد.

شار پارتی در دولت اشکانی محل استقرار طبقات اجتماعی می باشد. طبقاتی که به خوبی نشانگر دگرگونی های تاریخی هستند که از دولت هخامنشی تا دولت اشکانی رخ داده است، بدین ترتیب:

1- اشرافیت دودمانی 2- دیوان سالاری و نظامیان 3- مغان و روحانیون 4- اشرافیت دهقانی 5- بازرگانان و پیشه وران.

دولت اشکانی با تخریب سازمان کالبدی دولت سلوکی، مظهر آن یعنی «شهر پارسی - هلنی» را نیز دگرگون می کند و با ادغام این شهر با محیط اطرافش نظم اندام واره و خود انگیزته ی محیطی را بر نظم منطقی و برنامه ای آن تحمیل می نماید و بدین ترتیب شهر قدیمی را در سازمان جدید مستحیل می کند.

سازماندهی کالبدی - فضائی درون شار، کم و بیش همانی است که در شار پارسی وجود می داشت، بدین معنی که:

1- دژ حکومتی، مظهر دولت اشکانی و نشانه ی مهم «شهر - قدرت» پارتی، مرکب از کاخ ها، معابد، دیوانها، تأسیسات نظامی، اداری و خزائن و انبارهای آذوقه و اسلحه است. دژ مظهر وحدت، یگانگی و تفاهم اجتماعی (دودمانی و سه جامعه ی ایلی، روستایی و شهری) نیز می باشد و مانند همیشه، مهمترین نقطه ی سوق الجیشی را به خود اختصاص می دهد.

¹ ایدری : اینجایی و مال اینجا

² دولت اشکانی: تنها دولتی است که پادشاهان آن نه بر مبنای وراثت بلکه بر مبنای تفاهم سران دودمانها انتخاب می شدند. سرانی که خود ارکان این دولت را تشکیل می دادند.

2- شار میانی، مجموعه ای بس گسترده مرکب از محلات، بازار، باغ و مزرعه، عمدتاً محصور شده به وسیله ی حصارهای طبیعی است، کوه و جنگل، رودخانه و ... شار بیرونی چون شار بیرنی «شهر پارسی» محل استقرار سه جامعه ی ایلی، روستایی و شهری است که در کنار، شار میانی مقام گرفته اند (حبیبی، 1392: 24).

سلسله ساسانی آخرین حکومت پیش از اسلام در ایران است. این دودمان کار خود را در شهر استخر واقع در نزدیکی تخت جمشید پایتخت پارس آغاز کرد. اردشیر بابکان در نبرد، آخرین پادشاه پارتی را در سال 224 م شکست داد. ساسانیان برخلاف شاهنشاهی اشکانی، که به صورت ملوک الطوایفی اداره می شد، نیروی پر قدرت و مرکزی را بنیان گذاری کردند. به این ترتیب توانستند حکومت اشرافی و سرکش را کنترل کنند و با تنظیم یک برنامه و سازمان اداری کارآمد، در امر آبیاری و شهرسازی، معماری و صنعتی کردن کشور در یک مقیاس بزرگ، توجه دنیای آن روز غرب را به سوی خود جلب نمایند، و حتی با شکست امپراطوری روم، اهمیت سیاسی حکومت خود را در شرق و غرب گسترش دهند (پرادا، 1386: 277).

آثار و بقایای ویرانه های بزرگ شهرهای این زمان و وسعت و پراکندگی نقوش برجسته در سینه کوه ها و حجاری های فراوان که از آنها به جای مانده، نمودار توجه در گسترش و ایجاد شهرها، بویژه ارتباط با کشورهای دور و همسایه، همگی نشانه ی تمرکز قدرت و ثبات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی این سلسله در جامعه است. ساختمان های اصلی معماری ساسانی هم مانند هخامنشیان کاخ های شاهی بود و اصرارشان بر این بود که مانند آنها شاه را در آپادانای خود مانند خدایی که از آسمان فرود آمده نشان دهند، اما راه حل های معماری هخامنشی برای ساسانیان ظاهراً پرهزینه و پیشرفت ناپذیر بود (گدار، 1358: 232).

معماری ساسانی صرفاً معماری کاخ ها نیست، بلکه معماری خانه های مردم و از همه مهمتر معماری آتشگاه ها و معابد و بعضی بناهای یادمانی، کاروانسرا و قلعه ها را شامل می گردد. آتشگاه ها و معابد پس از کاخ ها بیشترین آثار معماری به جای مانده از دوران ساسانی هستند. ولیکن اهمیت و ویژگی معماری کاخ ها طوری است که بررسی و مطالعه ی آنها در صدر قرار می گیرد (زارعی، 1391: 134).

ایجاد طبقات منظم اجتماعی و جایدهی سه جامعه ی ایلی، دهقانی و شهری تحت سلطه در این طبقات اجتماعی به دولت متمرکز و قاهر ساسانی امکان می دهد تا به نوعی «نظام کاستی» در سازمان اجتماعی دست یابد و بدین ترتیب از آمیختن طبقات و دخول افراد از طبقه ای به طبقه ی دیگر جلوگیری کند.

شهر مکان اصلی استقرار طبقات برتر اجتماعی است. این طبقات عبارتند از:

1- موبدان و مغان 2- جنگاوران و سپاهیان 3- دبیران و پزشکان 4- دهقانان

حضور همه جانبه ی دولت طلب می کند تا حکومتی دیوانی - نظامی اعمال گردد که در سازمان فضائی جدید کشور، دفاع از کشور به شهرهای سر حدی واگذار می شوند. شهرهایی که کاملاً از دیدگاه نظامی تجهیز یافته اند، شهرهای سرزمین های میانی، نقش حفاظت و حراست از شبکه های آمد و شد جاده ای را برعهده می گیرند و شهرهای سرزمین های درونی عملاً به کار تولید می پردازند.

شار ساسانی چون شار پارسی در دولت هخامنشی، بر مبنای باورهای دینی و متأثر از مقوله ی جهان بینی ساخته می شود. شهر معمولاً به حصار ختم می گردد که چهار دروازه به چهار سوی عالمداشته باشد که خود یار آور جهات اربعه و عناصر اربعه نیز می باشد. «گاه شهر را به گونه ی رقم شطرنج می ساختند (هشت در هشت قطعه) و گاه بر مثال جانوان: شوش بر مثال باز و شوشتر بر مثال اسب». این بخش از شهر را بعدها شارستان نامیدند.

شار دوره ی ساسانی مکان استقرار چهار طبقه ی ممتاز اجتماعی است و چون شارهای پیش از خود، هم «شهر - قدرت» است و هم، «شهر - معبد». این شار از دیدگاه ریخت شناسی شهرها، مرکب از فضاها ی زیر است:

1- دژ حکومتی: (این دژ در دوره ی اسلامی به کهندژ یا قهندژ معروف می گردد)، مجموعه ای است مرکب از کاخ ها، آتشگاه اصلی، دیوان ها سربازخانه ها، ذخائر، خزائن و انبارهای آذوقه. این دژ در بالاترین نقطه شهر و مهمترین نقطه سوق الجیشی ساخته شده و با دیوار های سنگین محافظت می گردد.

2- شار میانی: مجموعه ای مرکب از محلات خاص برای استقرار طبقات ممتاز است، نزدیک بودن این طبقات اجتماعی به یکدیگر - چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی - سبب می گردد تا شباهت بسیاری بین خانه ی ساکنین شار میانی و کاخ ها به وجود آید.

3- شار بیرونی: مجموعه ای مرکب از محلات، خانه ها، بازار، باغات و مزارع پراکنده در اطراف شار میانی است، آتشگاه ها و بازار اصلی را می توان در این بخش از شهر جستجو کرد.

4- بازار: مرکزیت حکومت در دولت ساسانی، حضور همه جانبه ی دولت در بازرگانی، صنعت و حرف، نقش ایران آن روزگاران در بازرگانی بین المللی، روابط بازرگانی با چین، هند، حبشه، حجاز، رُم شرقی و ... همه و همه در اقتصاد شهری شار در دولت ساسانی موثر می افتد. عنصر بازار در معنایی که اکنون از آن داریم کالبد پیدا می کند. بازار به عنوان ستون فقرا شهر از دل شارسنان (شار میانی) شروع می گردد و دامنه خود را به شار بیرونی (ربض) می گستراند و در مسیر خود محلات را شکل می دهد. بازار قلب شهر می گردد و کالاها و مصنوعات گوناگون از همه جا بدان جا حمل می گردد.

5- میدان: گستره ای وسیع در جلوی دروازه های شارسنان و در ربض ساخته میشوند. این میدان نه چون آگورای یونانی محل تظاهر و داد و ستد اقتصادی است و نه چون فورم رمی مظهر قدرت حکومت. میدان مانی است که بازارها بدان باز می شوند و تظاهرات اجتماعی - اقتصادی در هم می آمیزد. میدان محلی است برای اعلام فرمان های دولت : بخشودگی ها و عقوبت ها (حبیبی، 1392: 32).

پیدایش شهر از آغاز تا به امروز از عوامل متعددی تأثیر پذیرفته است. عواملی چون «جهان بینی یا نحوه ی نگرش به جهان، شامل دین و مذهب، مسلک، فرق متفاوت اجتماعی و مذهبی، اقتصاد و یا چگونگی تعریف مادی جهان، شامل نحوه ی تولید، توزیع و مصرف محصولات و رابطه ی آن با ساخت کالبدی و عامل محیط یا اقلیم یا چگونگی تعریف زیست محیطی جهان، شامل آب و هوا، ناهمواری ها و بطور کلی عناصر محیط زیست طبیعی» تأثیرات قابل توجهی بر کالبد شهرها داشتند. سیمای کالبدی بسیاری از شهرهای قدیمی ایران، چه در دوران قبل از اسلام و یا پس از آن، ارتباط مستقیمی با نحوه ی نگرشی به جهان دارد. به عنوان نمونه می توان از شکل دایره ای و یا مربعی برخی شهرها در دوران قبل از اسلام و مرکزیت مساجد جامع از دوران پس از اسلام یاد کرد.

تأثیر عامل سگانه در کالبد شهر ها، تغییر در نحوه ی نگرش به جهان، تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی و میزان امنیت و حتی تغییرات محیطی می تواند منجر به تغییراتی در کالبد شهر ها شود. بر این اساس، از هنگامی که اولین شهر ایرانی یعنی «هگمتانه» شکل گرفت، تا زمان حاضر شیوه ها و سبک های مختلفی بر شهر و شهرسازی مسلط بوده که در یک تقسیم بندی کلی می توان این سبک ها را در سه دوره ی زمانی قبل از اسلام، پس از اسلام و معاصر مورد بررسی قرار داد. این شیوه ها و سبک ها در دوران قبل از اسلام، سبک پارسی، میان سبک پارسی - هلنی، و سبک پارتی را شامل شود. در دوران پس از اسلام، سبک های خراسانی، رازی، آذری و مکتب اصفهان بر شهرسازی ایران حاکم بوده است. در دوران معاصر نیز سبک تهران قابل بررسی است که البته به دلایل متعدد، عمدتاً در تهران باقی مانده و به شهرهای دیگر کشور سرایت نکرده است (حبیبی، 1392: 52).

نتیجه گیری

شهر ایرانی قبل از اسلام در ابتدای پیدایش، متأثر از تمدن بین النهرین شکل می گیرد و گسترش می یابد. در حقیقت در دوران تمدن مادی و سلسله هخامنشی، شاهد شکل گیری «شهر - معبد» و «شهر - قدرت» (سبک پارسی) هستیم. در ادامه، شهر ایرانی با هجوم یونانیان مواجه می شود و نوعی تحمیل سبک شهرسازی و سبک زندگی را به ویژه با ساخت نو شهرهای متعدد شاهد هستیم. شهر در این دوره امتزاجی است از مفاهیم دولت - شهر یونانی و شهر - قدرت سک پارسی. در ادامه این روند و با از میان رفتن آخرین سرداران یونانی، شهر توسط دولت قدرت مند اشکانی به نوعی به ساختار شهرهای سبک پارسی باز می گردد. تفاوت اصلی سبک پارتی که در زمان اشکانیان شکل می گیرد و در زمان ساسانیان ادامه می یابد با سبک پارسی، در توجه به مناطق پیرامونی شهرها و اعمال قدرت شهر بر آنهاست. در مجموع ساختار کلی شهر ایرانی در پیش از اسلام با وجود فراز و نشیب هایی که دارد بدین قرار است: اول دژ حکومتی که محل کاخ ها، معابد، تأسیسات نظامی و اداری و خزائن و انبارهای آذوقه و اسلحه است. دوم شهر میانی که محلات مسکونی اقشار قدرتمند و صاحب نفوذ، بازار و میدان در آن شکل می گیرد. سوم شهر بیرونی که محل زندگی مردم عادی است و در خارج از حصار شهر قرار دارد. شهرها متناسب با چند عامل شکل می گرفتند: عامل اول راه های ارتباطی است که محل شکل گیری شهرها را تعیین می کرد. عامل دوم طبقه ای به نام روحانیون بودند که عملاً نقش تعیین کننده ای در شکل گیری شهر نداشتند و عمدتاً از طریق اعمال نظرات خود در ساختار قدرت بر شهرها تأثیر می گذاشتند. عامل سوم و مهم ترین عامل تأثیر گذار، که بیش ترین تأثیر را بر ساختار شهر و جایگیری عناصر و اجراء آن می گذارد، همان نظام طبقاتی حاکم بر افکار و عقاید ایرانیان قبل از اسلام است. این عامل تقسیمات و تمایزات اصلی شهر را تعیین می کرده است.

مراجع

- [1] حبیبی، م. از شار تا شهر، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، 1392.
- [2] معماریان، غ. معماری ایرانی، انتشارات سروش دانش، 1387.
- [3] پیرنیا، م. سبک شناسی معماری ایرانی، انتشارات سروش دانش، 1387.
- [4] انصاری، ج. هنر و معماری ایرانی، انتشارات سبحان نور، 1389.
- [5] کالج، م. پارتیان، مترجم: محمود رجب نیا، انتشارات سحر، 1355.
- [6] پرادا، ا. هنر ایران باستان (تمدن های پیش از اسلام)، مترجم: یوسف مجید زاده، انتشارات دانشگاه تهران، 1386.
- [7] گدار، آ. هنر ایران، مترجم: بهروز حبیبی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، 1358.
- [8] زراعی، م. آشنایی با معماری جهان، انتشارات فن آوران، 1391.